

# هشدار امام!

((... دعوای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد))

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. اجتهادی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۲۰

شماره مسلسل ۱۴۱۹

نیمه دوم دی ماه ۱۳۹۰

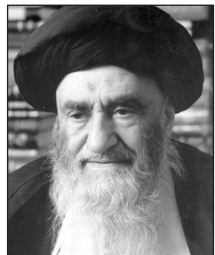
۲۰۰ تومان

حجت الاسلام فاطمی نیا:

حضرت آیت الله

مرعشی، فقیه و

مجتهدی جامع بود



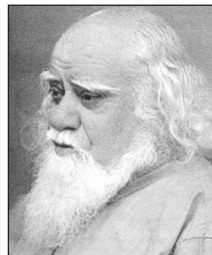
صفحه ۱۱

اختلاس ۳ هزار

میلیاردی از نگاه

استاد محمد رضا

حکیمی



صفحه ۹

رهبر شیعیان بحرین:

خاک بحرین با

خون شهدا رنگین

شده است



صفحه ۴

دکتر حداد عادل:

یک میلیون نسخه

خطی فارسی در

جهان، سند افتخار

فرهنگ ایران است



صفحه ۱۲

گزارشی از دیدارهای علامه

طباطبایی و پروفیسور کربن:

گفتگوی شرق

و غرب



صفحه ۷

مسجد جامعی در گفت و گو با تقریب:

اهمیت کار آیت الله

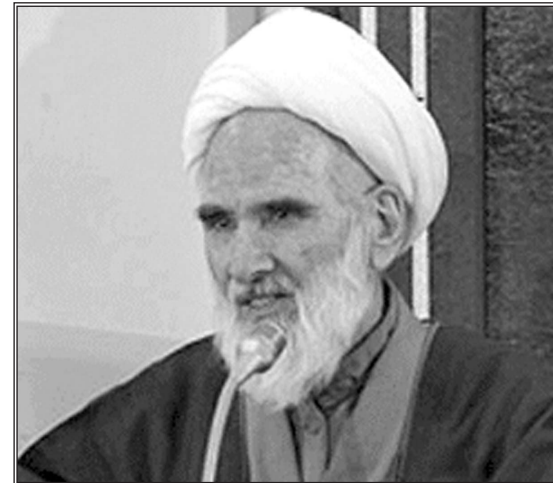
بروجردی طرح مرجعیت

علمی اهل بیت به عنوان

مبنای حرکت تقریب بود



صفحه ۳



یادی از محقق و مصحح کوشا

مرحوم شیخ عبدالله نورانی؛

مسافر نایاب

به قلم استاد سید هادی خسروشاهی

صفحه ۶

بیانیه مجمع تقریب مذاهب اسلامی در

محکومیت یهودی سازی قدس

صفحه ۳

## انتشار چاپ دوم قصه های زندگی پیامبر (ص)

## هشتاد و نهمین شماره ماهنامه معارف منتشر شد



هشتاد و نهمین شماره ماهنامه آموزشی و اطلاع رسانی معارف، ویژه استادان معارف، مبلغان و امور دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها منتشر شد، در این شماره میخوانید:

از شارل دوگل تا مهرآباد  
انقلاب اسلامی به مثابه رسانه جهانی\*  
درسی که لقمان آموخت (آیت الله سید مجتبی موسوی لاری)  
تفکر؛ جان ناپیدای جامعه (گفتگو با دکتر رضا داوری اردکانی)

بررسی نقش و معنای 'واو' در 'وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ'  
چپستی نسبت اخلاق و عرفان (آیت الله جوادی آملی)  
جریان شناسی تبلیغ در دهه چهل و پنجاه شمسی  
معلم اول (امام خمینی (ره) در نگاه مقام معظم رهبری)  
ایستاده بر تاریخ (نهضت و شخصیت امام خمینی (ره))  
گفتگو با استاد سید هادی خسروشاهی

شاه صد سال دیر آمد! (میشل فوکو)  
انقلاب ۵۷ در مغرب زمین (کتاب شناسی انقلاب اسلامی ایران در غرب)  
بایسته های تحول در روش های تدریس  
پرسش، کلید دانش در گفتگو با حجت الاسلام قنادی  
آثار علمی اساتید معارف - تازه های نشر معارف  
تأثیر شبکه های اجتماعی بر جنبش هادر سال ۲۰۱۱ میلادی  
استراتژی دیگر هراسی\*

کرسی آزاداندیشی و تفاوت آن با کرسی نظریه پردازی  
برای تهیه این نشریه می توانید با امور مشترکین به شماره ۰۲۵۱-۲۱۱۰۲۷۰ تماس بگیرید.  
نشانی اینترنتی مجله:

www.maarefmags.com

همچنین به زبان های گوناگون از جمله انگلیسی، اردو، ترکی و فارسی ترجمه شده است.

انتشار این کتاب در همه جا با استقبال نسل نو روبرو شده و جایزه های ادبی معروفی از سوی کانون های فکری و پرورشی کودکان دریافت کرده است. این کتاب همچنین در سال ۱۹۹۹ میلادی، جایزه بهترین کتاب کودک و نوجوان را از سازمان فرهنگی مصر در قاهره و

در سال ۲۰۰۰ میلادی، جایزه آف های نوین را در نمایشگاه بین المللی کتاب کودک در بولونی ایتالیا دریافت کرد. از نکات گفتنی در خصوص ترجمه کتاب حاضر، نخست آنکه استاد خسروشاهی در ترجمه قصه ها یا سیره زندگی پیامبر (ص) کوشش جدی کرده که از کلمات و عبارات و جملات سهل و آسان استفاده کند تا درک و فهم آن بر همه نونهالان امکان پذیر باشد.

دوم اینکه مترجم در مواردی برای تکمیل مطالب قصه ها، به کتب و منابع سیره نویسان و مورخان و مفسران شیعه مراجعه کرده و نکات مورد نیاز را اصلاح کرده و یا به آن افزوده است.

نکته آخر اینکه پدران و مادران ایرانی می توانند به مناسبت های مذهبی و اعیاد اسلامی، کتاب قصه های زندگی پیامبر (ص) را به فرزندان خود اهدا کنند که خود یک ارمغان ارزنده و فراموش نشدنی خواهد بود و ثمره سازنده و ارزنده آن را در سراسر زندگی فرزندان شان به یادگار خواهند گذاشت.



نویسنده: عبدالنواب یوسف  
ترجمه: استاد سید هادی خسروشاهی  
تصویرگر: فریدالدین ملایی  
ناشر: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)  
چاپ اول - ۱۳۹۰  
صفحه - ۶۰/۰۰۰ ریال

کتاب قصه های زندگی پیامبر (ص) شامل

بیست قصه از زندگی پیامبر است که از قول و زبان حیوانات، نباتات، جمادات و دیگر مظاهر طبیعت بیان می شوند. به گونه ای که گوشه هایی از زندگانی و شخصیت این پیامبر بزرگ خدا را برای کودکان و نوجوانان به تصویر کشیده اند. این کتاب که به همت استاد عبدالنواب یوسف، نویسنده مصری به نگارش درآمده و در قاهره به چاپ رسیده است، علاوه بر کودکان و دانش آموزان مصری، توجه کودکان و نوجوانان دیگر کشورهای عربی را به خود جلب کرده و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

استاد سید هادی خسروشاهی حدود چهل سال پیش، ۱۲ قصه از مجموعه بیست قصه کتاب حاضر را از عربی به فارسی ترجمه و در ماهنامه ای ویژه کودکان از قم منتشر کرده بود.

آقای خسروشاهی اخیراً ضمن ترجمه هشت قصه دیگر، به بازنویسی و بازنگری دوازده قصه قبلی پرداخته و مجموعه بیست قصه را در یک کتاب، منتشر کرده است. متن عربی این کتاب در سالیان گذشته، بارها در مصر و برخی دیگر از کشورهای عربی چاپ و تجدید چاپ شده و











گزارشی از دیدارهای علامه طباطبایی و پرفسور کربن:

## گفتگوی شرق و غرب

جناب دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، که در جلسات مباحثه استاد علامه و پرفسور کربن همواره حضور داشت و اظهار استاد سید هادی خسروشاهی که در چند نوبت در آن جلسات شرکت نموده است، برخلاف ادعای اتهام زنده است: و البته شهادت خود استاد علامه طباطبایی که در مقاله فوق آمده است، خود سندی ارزشمند است. ای کاش که حب و بغض شیء باعث عمی انسان نگردد و مخالفت با فلسفه هم از چهارچوب منطق و برهان خارج نشود.. و اگر هانری کربن که اصولاً فردی غیرسیاسی و فقط یک انسان جستجوگر حقیقت بود، جاسوس باشد، ای کاش که تعداد این نوع جاسوس ها! بیشتر می شد تا صادقانه، بدون هیچ انگیزه مادی یا سیاسی - تخریبی، مفاهیم و تعالیم اسلامی و تشیع را به زبان های زنده دنیا منتشر می ساختند... البته آیکاش!

اصل مقاله را در ادامه می خوانیم:

تحقیقی خود را از دست بدهم؛ یعنی کلیسا مرا از این پست خلع کند. پدر وقتی از این موضوع مطلع شد بسیار مسرور و مشعوف گردید و گفت: نگفتم این پرفسور کربن به اسلام (تشیع) مؤمن شده و رویش نمی شود که صریحاً اعتراف کند. (۹)

دکتر سید حسین نصر در کتاب در جستجوی امر قدسی، به سفرهای زیارتی پرفسور کربن به قم و مسجد جمکران، و حالات روحانی او در آن مکان مقدس اشاره دارد.

### کربن در نظر علامه

مرحوم آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی می نگارد: این حقیر در روز جمعه ۱۸ شعبان المعظم ۱۳۹۹ هـ ق که به خدمت استاد علامه در مشهد مقدس رسیدم و در آن روز راجع به کربن نیز مذاکراتی شد، فرمایشات ایشان را ضبط کردم و فعلاً برای خوانندگان گرامی در اینجا می آورم؛ علامه فرمودند: مسیو هانری کربن استاد شیعه شناس دانشگاه سوربن قریب یکی دو ماه است که فوت کرده و مجالس عیدیه ای راجع به تحقیق مذهب شیعه با ما داشت. مرد سلیم النفس و منصفی بود، معتقد بود که در میان تمام مذاهب جهان، فقط مذهب شیعه پویا، متحرک و زنده است؛ و بقیه مذاهب بدون استثنا عمر خود را سپری کرده و حالت ترقب و تکامل ندارند. کلیمیان و همچنین مسیحیان و زردشتیان قائل به امام و ولی زنده ای نیستند؛ و اتکاء به مبدأ حیاتی ندارند و به واسطه عمل به تورات و انجیل و زُند و اوستا اکتفا نموده و تکامل خود را فقط در این محدوده جستجو می کنند و همچنین تمام فرق اهل تسنن که فقط تکامل خود را در سایه قرآن و سنت نبوی می دانند. اما شیعه، دین حرکت و زندگی است؛ چون معتقد است که حتماً باید امام و رهبر امت زنده باشد؛ و تکامل انسان فقط با وصول به مقام مقدس او حاصل می شود؛ و لذا برای این منظور از هیچ حرکت و پویایی و عشق دریغ نمی کند.

می فرمودند: روزی به کربن گفتم: در دین مقدس اسلام تمام زمین ها و مکان ها، بدون استثنا محل عبادت است؛ اگر فردی بخواهد نماز یا قرآن بخواند؛ یا سجده کند، یا دعا کند در هر جا که هست می تواند این اعمال را انجام دهد؛ زیرا رسول الله (ص) فرموده است: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا» (۱۰) ولی در دین مسیح چنین نیست، عبادت فقط باید در کلیسا و در موقع معین انجام گیرد، عبادت در غیر کلیسا باطل است. بنابراین اگر فردی از مسیحیان در وقتی از اوقات مثلاً در نیمه شب در خوابگاه منزل خود حالی پیدا کرد و

تجدید چاپ شده است. ۲- شادروان هانری کربن پس از برخورد با علامه طباطبایی و آشنائی بیشتر با معارف اسلامی، گرایش خاصی به تشیع یافت و به باور استاد علامه، مسلمان شیعی از دنیا رفت...

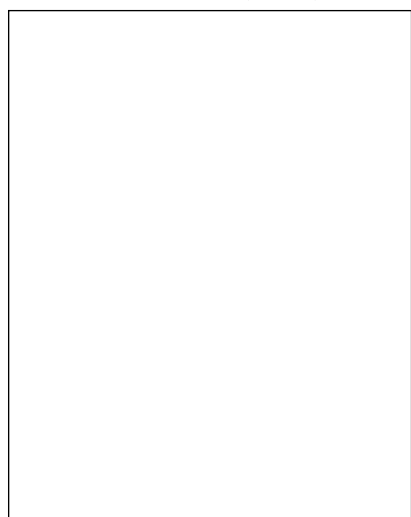
متأسفانه چندی پیش در یکی از فصلنامه های منتشره از قم هانری کربن متهم گردید که گویا با انگیزه های تجسس! با علامه تماس می گرفت و سرانجام هم علامه او را طرد کرد که این ادعا و تهمت، ظلم بر کسی است که از قلب غرب به مرکز فلسفه و عرفان شیعه در قم سفر می کرد و پس از کسب فیض از محضر استاد علامه طباطبایی - و سپس استاد سید جلال الدین آشتیانی - مفاهیم و تعالیم اسلام شیعی را به زبان های زنده دنیا، در غرب منتشر می ساخت...

البته ناشر محترم اتهام تجسس هیچگونه دلیل و مدرکی برای اثبات ادعای خود ندارد و مطلب طبق شهادت دانشمند ارجمند

خود رکن تمامی ادراک عرفانی است پی بردم. من مرتب در این محفل شرکت می کردم و از مشتاقان و اهالی این باغ تأمل گردیدم. (۴)

کربن معمولاً اوایل شهریور به ایران می آمد و اوایل دی ماه به فرانسه باز می گشت، او به مرور زمان، گرد خود حلقه کوچکی از محققان را فراهم آورده بود و از توجهی که آن جوانان به این گونه تحقیقات نشان می دادند بسیار خرسند بود. گفتگو به دو زبان بود، کربن به فرانسه سخن می گفت، فارسی را بسیار خوب می فهمید اما از آن جا که گوشش سنگین بود،

جرأت حرف زدن [به فارسی را] نداشت؛ سوالاتش را به زبان فرانسه طرح می کرد که به فارسی ترجمه می شد و علامه طباطبایی به فارسی پاسخ می داد که سخنانش به فرانسه بر می گشت. بنابراین نوعی ترجمه دوسویه در کار بود. معمولاً دکتر انسید حسین نصر کار دشوار این ترجمه دوسویه را با چیرگی تمام به انجام می رساند. (۵)



کربن در سال های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ هـ ش مصاحبه های متعددی با علامه طباطبایی پیرامون عقاید و تعالیم و تاریخ تشیع به عمل آورد که مجموع آن ها در سال ۱۳۳۹ هـ ش با توضیحات و پاورقی های لازم توسط خود علامه و به همت حجت الاسلام شهید دکتر محمد جواد باهنر و آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان مکتب تشیع به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه منتشر شد؛ (۶) که اثر مشهودی در معرفی شیعه در جهان بر جای گذاشت.

ادامه مذاکرات علامه طباطبایی با پرفسور کربن که در سال ۱۳۴۰ هـ ش انجام گرفت، پس از توضیحاتی (که به دستور علامه) توسط استاد سید هادی خسروشاهی و آیت الله احمد میانجی بر آن نوشته شد، با مختصری تلخیص در سال هفتم و

توضیح و تصحیح: در مورد مقاله ارزشمند منقول از ماهنامه گرانسنگ معارف (شماره ۸۸ مورخ آبان و آذر ۹۰) یکی دو توضیح کوتاه ضروری به نظر می رسد:

۱- مجموعه مصاحبه ها و یا مباحثه های علامه طباطبایی با پرفسور هانری کربن، درباره تعالیم شیعه در سال ۱۳۳۸ فقط با چند توضیح قرآنی از خود استاد علامه طباطبایی و دهها توضیح و تفصیل، توسط آیت الله علی احمدی میانجی و حجت الاسلام والمسلمین استاد سید هادی خسروشاهی، به عنوان سالنامه مکتب تشیع به زبان فارسی منتشر گردید. انتشارات مکتب تشیع توسط آیت الله هاشمی رفسنجانی و شهید محمد جواد باهنر از قم منتشر می گردید.

این مباحثات، تا سال ۱۳۴۰ هم ادامه یافت و محصول آن تحت عنوان رسالت تشیع در دنیای امروز باز با توضیحات دو استاد بزرگوار، نخست از سوی دفتر نشر در تهران انتشار یافت و اخیراً از طرف مؤسسه بوستان کتاب، ضمن مجموعه آثار استاد علامه،

### هانری کربن

پرفسور هانری کربن استاد فلسفه دانشگاه سوربن فرانسه و از برجسته ترین مفسران غربی حکمت معنوی و فلسفه اسلامی، چهارم آوریل ۱۹۰۳ م در پاریس به دنیا آمد. وی سال ۱۹۲۵ م در دانشگاه سوربن فرانسه لیسانس گرفت، یک سال بعد گواهینامه عالی فلسفه و در سال ۱۹۲۸ م دیپلم تبتعات عالی دانشگاه پاریس و در سال ۱۹۲۹ م دیپلم مدرسه السنه شرقی پاریس را اخذ نمود و در همین ایام با زبان های عربی، فارسی و پهلوی آشنا شد. کربن بعدها نزد لویی ماسینیون - اسلام شناس اروپایی - رفت و او نسخه ای از حکمه الاشراق سهروردی را به کربن داد که این عمل تأثیر روحی فراوانی بر وی گذاشت و او را راهی شرق کرد. اولین مقاله کربن در نشریه بررسی های فلسفی درباره یکی از آثار سهروردی چاپ شد و نخستین اثر مستقل وی به زبان فرانسه راجع به سهروردی در سال ۱۹۳۹ م تحت عنوان سهروردی مؤسس حکمت اشراق منتشر شد. (۱)

کربن مدت ها عهده دار ریاست انستیتو فرانسه و ایران بود، به همت این دانشمند حق بین بود که سهروردی، روزبهان و ملاصدرا برای جامعه فرهنگی غرب به نام هایی آشنا مبدل گردید و در جهانی که برخورد میان فرهنگ های گوناگون پیوسته با شکاف بیشتر مواجه می گردد نمونه تلاش عظیم برای تفاهم بود. (۲)

سپس پرفسور کربن چون آوازه عرفان و فلسفه مفسر کبیر قرآن، علامه طباطبایی را شنید، شیفته عظمت علمی و کمالات معنوی این سید وارسته گردید. وی که به منظور شناخت تشیع سالی چند ماه از پاریس به ایران می آمد و به پژوهش و تحقیق در مورد شیعه شناسی می پرداخت، به وسیله برخی اساتید دانشگاه از محضر علامه طباطبایی تقاضا نمود در این باره به وی کمک کند. علامه طباطبایی نیز که از فعالیت های علمی و برخی فضایل انسانی این محقق با خبر بود، درخواست وی را اجابت نمود. (۳)

### باغ تأمل

یکی از پژوهشگران معاصر که در جلسه گفتگوی علامه طباطبایی و هانری کربن حضور داشته، گفته است: در محفلی که [حلقه اصحاب تأویل] نام داشت دیدار منظم این دو شخصیت صورت می گرفت. علی رغم وجود مشکل ارتباط و صافی ترجمه، جریان میان دو بزرگوار به خوبی می گذشت. هر دو بر یک طول موج بودند و درباره سرنوشت فلسفه در ایران هم عقیده بودند. کلمه [تأویل] در آن جا زیاد شنیده می شد که می توان آن را به کشف محجوب یا تفسیر معنوی هم تعبیر کرد. بعدها بود که من به غنای شگفت این مفهوم که

خواست خدا را بخواند، چه کند؟ او باید صبر کند تا روز یکشنبه، چون کلیسا را باز کنند بیاید و برای دعا در آنجا حضور به هم رسانند؟! این معنی قطع رابطه بنده با خدا است. کرین در پاسخ گفت: بلی این اشکال در مذهب مسیح است؛ و الحمدلله دین اسلام در تمام ازمنه و امکانه و حالات؛ رابطه مخلوق را با خالق خود محفوظ داشته است. و [علامه] فرمودند: اگر در دین مقدس اسلام انسان حاجتمند، حالی پیدا کند؛ طبق همان حال و حاجت، خدا را می خواند؛ چون خدا اسماء حسنیایی چون غفور و رحیم و رازق و منتقم و غیرها دارد و انسان طبق خواست و حاجت خود، هر یک از این اسماء را مناسب دید، خدا را به آن اسم و صفت یاد می کند؛ مثلاً اگر بخواید خدا او را بیامرزد و از گناهانش در گذرد، باید از اسم غفور و غفار و غافرالذنب استفاده کند؛ اما در دین مسیح خدا اسماء حسنی ندارد؛ فقط لفظ خدا و اله و اب برای اوست، بنابراین اگر شما مثلاً حالی پیدا کردید و خواستید خدا را بخوانید و مناجات کنید و او را با اسماء و صفاتش یاد کنید و با اسم خاصی از او حاجت بطلبید، چه خواهید کرد؟! ابروفسور کرین در پاسخ گفت: من در مناجات های خود صحیفه مهدویه را می خوانم. علامه می فرمودند: کرین کراراً صحیفه سجاده را می خواند و گریه می کرد. (۱۱)

**نشست های علمی علامه و پروفیسور ملاقات اول**

علامه طباطبایی در خصوص اولین ملاقات خود با کرین نوشته است:  
در پاییز سال گذشته (۱۳۳۷ هـ - ش) به منظور انجام پاره ای کارهای ضروری چند روزی در تهران بودم، از فرصت استفاده کردم و دیداری از دوستان مرکزی خود تازه نمودم. روزی دانشمند معظم جناب آقای دکتر جزایری - استاد محترم دانشگاه - مذاکره نمودند که جناب آقای دکتر کرین فرانسوی که یکی از مستشرقین نامی فرانسه و ایران شناس می باشد اظهار علاقه مندی می کردند که از شما ملاقاتی به عمل آورند... دو سه شب بعد در محیط بسیار صمیمانه و گرمی در منزل آقای دکتر جزایری ملاقات به عمل آمد. این ملاقات گرچه با فرصت کم و وقتی تنگ به عمل آمد و آقای دکتر کرین عازم مراجعت به پاریس بود ولی شالوده دوستی را ریخته و اطلاعات اجمالی از نتایج زحمات علمی و عملی و فعالیت های خستگی ناپذیر چند ساله معظم له به دست داد. آقای کرین اظهار می داشت اطلاعات علمی که تاکنون مستشرقین از اسلام به دست آورده اند همه در محیط تسنن بوده و از انظار و عقاید علمای اهل سنت تجاوز نکرده است و حتی در تشخیص مذاهب اسلامی و توضیح اصول و مبانی آنها به رجال تسنن و آثار آنان مراجعه نموده و نظریاتشان را جمع آوری کرده اند... در نتیجه حقیقت مذهب تشیع آن گونه که شاید و باید به دنیای غرب معرفی نشده است.

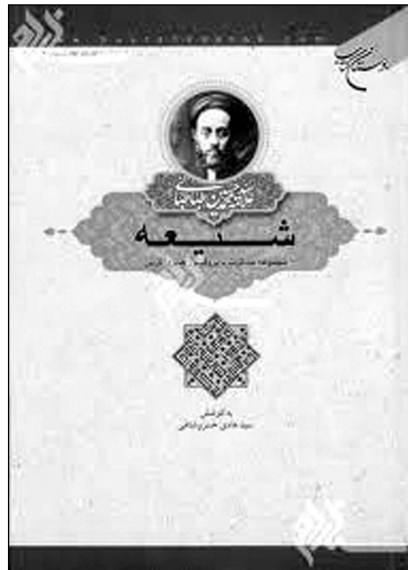
پروفیسور کرین گفت: [برخلاف اعتقاد مستشرقین گذشته، اعتقاد من این است که مذهب تشیع یک مذهب حقیقی و اصیل و پابرجاست و دارای مشخصات یک مذهب حقیقی بوده و غیر از آن است که مستشرقین گذشته به غرب معرفی کرده اند. آن چه از مطالعات و پی جویی های علمی برای من که یک مستشرق پروتستان می باشم

دستگیر شده، این است که به حقایق و معنویات اسلام از دریچه چشم شیعه که نسبت به اسلام جنبه واقع بینی دارد، باید نگاه کرد. از این رو من آن چه توانسته ام تلاش و کوشش نموده ام که مذهب تشیع را به نحوی شایسته و به گونه ای که در خور واقعیت این مذهب است به جهان غرب معرفی کنم. بسیار علاقه مندم که با رجال علمی و دانشمندان مذهبی شیعه از نزدیک تماس گرفته و به طرز فکر آنها آشنا شده و در بررسی اصول و مبانی این مذهب و استیضاح معنویات آن، از آنها کمک فکری گرفته و نسبت به هدف روشن تر شوم. پس از آن آقای کرین به بیان اجمالی زحماتی که در تفتیح و نشر کتب شیخ سهروردی مؤسس اشراق در اسلام و کنفرانسی که در دانشگاه اطراف مکتب فلسفی میرداماد و مکتب فلسفی صدرالمآلهین شیرازی داده بود، پرداخت و به ویژه از مکتب فلسفی صدرالمآلهین تقدیر و ستایش کرد. (۱۲)

**ماجرای یک دیدار**

در کتاب «هانری کرین آفاق تفکر معنوی» ماجرای یکی از دیدارهای علامه طباطبایی و هانری کرین و بحث مطروحه در آن، این چنین آمده است: شامگاه خنک یکی از روزهای پایان تابستان بود. گروه کوچکی بودیم. در محوطه روشنی از باغ، زیر سروهای بلند و در نسیم خنکی که از پاشیدن آب فواره حوضی در پیرامون ما ایجاد می شد نشسته بودیم. حال و هوای این نخستین دیدار در خاطر من باقی مانده است چندان که سیمای مردی که تأثیری نمایان در زندگی من بر جای گذاشت و در هاله همین دیدار در برابر چشمان من ظاهر می شود. مهمانان افتخاری آن شب دو شخصیت سرشناس از شرق و غرب علامه محمد حسین طباطبایی از ایران و هانری کرین فرانسوی، بودند. صحبت ما در آن شب بر سر چه بود؟ از مایه های عمده عرفان نظری

پرسید: آیا عرفان اسلامی نیز به گناه آغازین معتقد است؟ سپس با نقل قول از یک معلم فرانسوی افزود دو هزار سالی که از گناه آغازین می گذرد کارمان را به جایی رسانده است که از گناه بدمان نمی آید! علامه طباطبایی با صدای آرامی که به دشواری



شیده می شد چنان که گویی برای خودش زمزمه می کرد در پاسخ گفت: «هبوط بشر نقص یا عیب نیست؛ پس آن قدرها گناه هم نیست». لبخند ستایشگر و تأیید کننده کرین هرگز از یادم نمی رود... کرین گفت: از آنجا که غرب حس تأویل را از دست داده ما دیگر قادر نیستیم به رموز کتاب مقدس راه ببریم؛ و جنبه های اساطیری ابعاد قدسی جهان را روز به روز بیشتر به فراموشی می سپریم.

نخستین بار بود که من به ابعاد باورنکردنی این اصطلاح که کرین اغلب آن را به کار می برد و چنان که می دانیم کلید نفوذ به اندرون تأملات وی باقی ماند، پی بردم. علامه طباطبایی گفت: بدون شناخت راز تأویل معنوی آیا می توان از این مسائل سخن گفت؟ معنویت حقیقی بدون تأویل ناممکن است. دو مرد با وجود دشواری های زبان و بیان با یکدیگر توافق کامل داشتند! (۱۳)

**ملاقات دوم**

ملاقات دوم علامه طباطبایی و هانری کرین از پاییز سال ۱۳۳۸ هـ - ش آغاز گردید. خود علامه در این باره می نویسد: امسال (۱۳۳۸ هـ - ش) نیز که نویسنده پس از گذراندن تعطیل تابستانی، در یکی از ییلاقات اطراف دماوند موقع مراجعت به قم، چند روزی در تهران توقف داشتم. شب شانزده مهرماه طبق وعده قبلی ملاقات دوم در محیط گرم و دوستانه به عمل آمد. در این مجلس آقای کرین مذاکره را ادامه داده و ضمناً گفتند که امسال موقعی که در اروپا بودم در ژنو کنفرانسی در موضوع امام منتظر (حضرت مهدی) طبق عقیده شیعه دادم و این مطلب برای دانشمندان اروپایی که حضور داشتند کاملاً تازگی داشت. آقای کرین

سپس اضافه کرد به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به طور استمرار و پیوسته ولایت را زنده و پابرجا می دارد. رابطه ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی دینی کشف می شود، به واسطه دعوت های دینی قبل از موسی (ع) و دعوت موسی (ع) و محمد (ص) و بعد از حضرت محمد (ص) به واسطه ولایت جانشینان

بیانات هانری کرین  
روز جمعه ۱۸ ذی القعدة ۱۳۳۸ هـ قریباً ساعت ۱۰ صبح در منزل علامه طباطبایی در تهران دیدار کردم. در این دیدار بحث مطروحه در آن، این چنین آمده است: شامگاه خنک یکی از روزهای پایان تابستان بود. گروه کوچکی بودیم. در محوطه روشنی از باغ، زیر سروهای بلند و در نسیم خنکی که از پاشیدن آب فواره حوضی در پیرامون ما ایجاد می شد نشسته بودیم. حال و هوای این نخستین دیدار در خاطر من باقی مانده است چندان که سیمای مردی که تأثیری نمایان در زندگی من بر جای گذاشت و در هاله همین دیدار در برابر چشمان من ظاهر می شود. مهمانان افتخاری آن شب دو شخصیت سرشناس از شرق و غرب علامه محمد حسین طباطبایی از ایران و هانری کرین فرانسوی، بودند. صحبت ما در آن شب بر سر چه بود؟ از مایه های عمده عرفان نظری

وی (به عقیده شیعه) زنده بود و هست و خواهد بود. به عقیده من همه ادیان حق بوده و یک حقیقت زنده را دنبال می کنند و همه در اثبات اصول وجود این حقیقت زنده مشترکند. آری تنها مذهب تشیع است که به زندگی این حقیقت لباس دوام و استمرار پوشانیده و معتقد است که این حقیقت میان عالم انسانی و الوهی برای همیشه باقی و پابرجاست. این نظر من است؛ آیا شما نیز نظرتان در این باب همین است؟

نویسنده گفتم: آن چه از نظر اسلام می توان گفت آن است که نظریه اثبات صانع، نظریه حقی است که میان همه ادیان گذشته مشترک فیه است، ولی دینی که ارزش این حقیقت را داشته و می توان نام دین آسمانی رویش گذاشت، دینی است که در آن تنها خدای یگانه پرستش شود و رابطه نبوت را اثبات کرده و معاد قائل شود؛ و این همان ادیان چهارگانه یهودیت، نصرانیت، مجوسیت و اسلام است. آن چه از لوازم احترام و تعظیم می توان در حق یک دین واقعی روا داشت، اسلام در حق دین یهودیت و نصرانیت روا داشته و مقام نبوت حضرت مسیح (ع) را تقدیس و تنزیه نموده و شریعت آنها را ستوده است. هم چنین نسبت به دین مجوس با دیده احترام نگریسته و همه را در صراط یک آئین خدای حق می داند... با این سخنان مجلس دوم پایان پذیرفت. (۱۴)

مصاحبات علامه طباطبایی با کرین به چهار زبان فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی منتشر شد و اولین دوره آن در فارسی، به نام مکتب تشیع سالانه دوم نیز منتشر و تجدید چاپ شد. سپس استاد سید هادی خسروشاهی مجموعه آن مصاحبات را به نام «مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کرین»، در قطع وزیری توسط انتشارات کلبه شروق، چاپ و منتشر کرد.

**پی نوشت ها:**

- ۱- برش و تدوینی از سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبایی از نگاه فرزندان، مراد علی شمس، ص ۲۱۲.
- ۲- ر.ک؛ مقاله «ژائری از غرب»، حسین سید عرب، مجله گلچرخ، شماره ۱۳.
- ۳- ر.ک؛ کتاب هانری کرین آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، دکتر داریوش شایگان.
- ۴- جرعه های جانبخش، غلامرضا گلی زواره، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.
- ۵- ر.ک؛ کتاب هانری کرین آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، دکتر داریوش شایگان.
- ۶- زیر آسمان های جهان، گفتگوهای دکتر داریوش شایگان ص ۱۳۵-۱۳۳.
- ۷- این مجموعه بار دوم در سال ۱۳۵۷ پس از تجدید نظر و اضافات کلی و اصلاحات تحت عنوان شیعه، مجموعه مذاکرات با پروفیسور کرین در ۴۶۵ صفحه منتشر شد.
- ۸- جرعه های جانبخش، غلامرضا گلی زواره، صفحات ۲۹۱-۲۸۹.
- ۹- مجله شاهد، شماره مسلسل ۴۸، ۱۵ آبان ۱۳۶۲، ص ۱۴. مندرج در «جرعه های جانبخش»، ص ۲۹۷ و ۲۹۸.
- ۱۰- مجله جوانان، شماره ۸۲۱، ص ۵۲. مندرج در «جرعه های جانبخش» ص ۲۹۷ و ۲۹۸.
- ۱۱- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۸، ص ۳۸، ح ۱۷.
- ۱۲- مهر تابان، ص ۴۹-۴۵ آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- هانری کرین آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، دکتر داریوش شایگان، ص ۴۴-۴۳، مندرج در «جرعه های جانبخش»، ص ۲۹۴-۲۹۲.
- ۱۵- مجموعه مذاکرات با هانری کرین، مقدمه علامه طباطبایی، ص ۲۴ و ۲۷ با اندکی تلخیص، مندرج در «جرعه های جانبخش»، ص ۲۹۴ و ۲۹۵.



## اختلاس ۳ هزار میلیاردی از نگاه استاد محمد رضا حکیمی

امروزه کشورهای توسعه یافته به موضوع پولشویی و یا به تعبیر اسلامی و عام آن حرام خوری حساسیت ویژه ای پیدا کرده‌اند. حساسیت به این موضوع صرفاً از حیث کسب مال نامشروع و فرار از چنگال قانون نیست بلکه بیشتر به اثر منفی پول کثیف بر اقتصاد ملی توجه دارد.

پولی که از راه های نامشروع کسب می شود هم خاصیت خود افزائی دارد و هم اینکه به سرعت منشا فساد می شود. از این رو امروزه در بسیاری از کشورها نسبت به منشا درآمد افراد حساسیت ویژه ای پیدا شده است و فرآیند کسب درآمدها برای نهادهای نظارتی کاملاً شفاف است. اشراف دولت ها بر درآمد و دارائی افراد نه تنها ضد فساد عمل می کند بلکه مکانیزمی مطمئن برای رعایت حقوق دولت ها و درآمدهای مالیاتی است.

در اسلام و فقه اقتصادی به این مساله با دقت بیشتری توجه شده و نسخه تکامل یافته بسیاری از قوانینی که غرب امروز به آن رسیده است را می توان در توصیه های ائمه معصومین در اقتصاد ملاحظه کرد. چه آنکه اصرار امروز کشورهای غربی برای نظارت بر منشا درآمدها و تاکید بر پرداخت حقوق اجتماعی و مالیاتی، بیش از آنکه پشتوانه های اخلاقی و انسانی داشته باشد، تلاش برای پایدار نگه داشتن نظام سرمایه داری است تا از درون و از طریق فسادهای پیچیده و تو در تو مضمحل نشود هرچند نظام امپریالیزم سرمایه محکوم به این سرنوشت است.

اما نگاهی که اسلام به منشا کسب درآمد و حقوق مالکیت دارد با هدف تکریم انسانی و مراقبت های اجتماعی و جامعه سازی اسلامی و عادلانه است. یکی از منابع بسیار غنی و ارزشمند در تبیین نگاه اسلام به اقتصاد و تاکید بر عدالت در تولید و توزیع درآمدها مجموعه احادیث مجلدات ارزشمند و نفیس الحیات است که توسط علامه محمد رضا حکیمی خراسانی فقیه اصولی و اسلام شناس راستین و عدالتخواه حقیقی جمع آوری و تحلیل و تبیین شده است.

یکی از مواردی که علامه حکیمی در مجموع ۸ جلدی الحیات و بالاخص در مجلدات ۳ تا ۶ بر آن تاکید دارد، همین کسب مال حلال و مقابله با تکاثر طلبی است.

استاد حکیمی با استناد به احادیث و روایات توضیح می دهد که کسب مال فراوان در کوتاه مدت از مسیر حلال جمع نمی شود. استاد حکیمی در الحیات تاکید دارد که اولاً ملاحظاتی مربوط به راه کسب مال حلال چیست و ثانیاً حقوق حقه ای بر گردن صاحبان درآمد وجود دارد که اجازه نمی دهد مال و ثروت با این وسعت و سرعت در دست عده ای خاص تجمع و تمرکز یابد و این همان موضوعی است که امروزه نظام های غربی با تاکید بر قوانین پولشویی تلاش دارند به آن برسند.

جامعه ما علیرغم اینکه از حیث قوانین اسلامی می بایستی پیشرو در این موضوع باشد اما نتوانسته است حتی

اولین قدم های اساسی در اجرای قوانین ضد پولشویی را بردارد چه آنکه خود این قوانین نیز ضعف های بسیاری دارد و تا رسیدن به اصول اسلامی در نظارت بر مالکیت ها و حقوق متقابل افراد و جامعه راه بسیاری وجود دارد.

اختلاس اخیر از همین حیث قابل ارزیابی است. اینکه این فساد چگونه شکل گرفت و چه کسانی در آن مقصر بودند و چه باید کرد تا مجدداً چنین ضایعه ای شکل نگیرد یک سویه داستان است. نکته مهمتر این است که جامعه به دلیل بی توجهی به برخی احکام اسلامی و تاکیدات دینی در اقتصاد آستان چنین فساد هائی است.

نکته مهمی که در ماجرای اختلاس اخیر کمتر مورد توجه قرار گرفت سابقه درآمدی متهم اصلی است. سابقه ای که اگر این فساد شکل نگرفته بود، برای برخی افراد سطحی و ظاهر بین یک امتیاز تلقی می شد.

حسب آنچه گزارش شده است مجرم اصلی این پدیده شوم ۴۷۰۰ میلیارد تومان دارایی دارد. این در حالی است که وی در اوائل دهه ۸۰ با فروش گاوداری خود به مبلغ ۲۰ میلیون تومان وارد کاسبی و تجارت شده است و طی ده سال بیش از ۴۷۰۰ میلیارد تومان ثروت بهم زده است.

علامه محمد رضا حکیمی در الحیات، منشا فساد هائی چون اختلاس را در همین نقطه می بیند. توجه به این موضوع برای دست یابی به مدلی برای پیشگیری از چنین سطحی از فساد و بلکه بالاتر از آن یعنی صیانت از اقتصاد ملی و عدالت اسلامی اهمیت دارد.

علامه محمد رضا حکیمی در جای جای الحیات نسبت به همین موضوع تذکر می دهد و تاکید دارد که مال حلال هیچگاه در این حجم و به این سرعت جمع نمی شود و اگر بود نظامی کارآمد و حسابرس و ناظر، که هم بر نحوه کسب درآمد افراد اشراف داشت و هم کسب مالیات ها و هم فرهنگ سازی در موضوع حد و حدود مالکیت ها، هیچگاه چنین پول هائی یک جا در دست عده ای خاص جمع نمی شد.

به همین دلیل است که حضرت علامه پس از ذکر حدیثی از امام صادق علیه السلام که می فرماید: مال چهار هزار درهم است. دوازده هزار درهم گنج است و بیست هزار درهم از حلال جمع شدنی نیست. (ج ۳ ص ۲۲۹) تاکید می کند که بنابر تعلیماتی که از ائمه اطهار به ما رسیده شایسته است به مال فراوان به چشم احتیاط یعنی شک کردن در حلال و مشروع بودن آن نگاه کنیم.

ایشان همچنان درباره اعداد و ارقام ذکر شده در این قبیل روایت نیز توضیح می دهد که مقادیر یاد شده در احادیث بر حسب زمان و هر شهر ارزیابی و با واحد پول رایج آن زمان تعیین می شود به شرطی که به آن اندازه نرسد که در عرف رایج به مال فراوان شهرت پیدا کند.

علامه توضیح می دهد که علم فقهی که شماری از کسب ها را حرام می شمرد و معتقد به محدود بودن کیفی مالکیت است ناگزیر باید به محدودیت

کمی آن نیز معتقد باشد زیرا کم و کیف در اقتصاد متلازم یکدیگرند.

مال در اسلام داراری موضوعی محدود و چارچوبی معین است که با آزادی و نامحدود بودن در تضاد است. هدف جامعه اسلامی قائم به قسط است و به همین دلیل از لحاظ کمی و کیفی برای مال محدودیت قائل است. علامه در جای دیگری تاکید دارد که این است مغز آنچه امام سجاد در رساله حقوق معروف درباره حقوق مال به ما می آموزد: از جمله حق هائی که خود مال بر تو دارد این است که آن را از جایگاهش منحرف نسازی و از چگونگی حقیقتش دور نکنی.

و سپس می نویسد: چگونه ممکن است که این مواضع الاهی و محدود مال با مالکیت آزاد تکاثری و تصرفات اترافی و مصرفهای جهنمی که حد و مقدار ندارد قابل جمع باشد. و آنچه به حق مایه تاسف است این است که دسته ای می خواهند به مردم باور دهند که آنچه می کنند با دین سازگار است کسانی نیز هستند که در این فریبکاری آنان را تأیید می کنند خواه از روی غفلت یا با طرفداری مغرضانه.

علامه حکیمی در الحیات انحراف مال را از ۲ طریق می داند. یکی نحوه کسب آن و دیگری نحوه توزیع آن. ایشان توضیح می دهند که اگر طریق کسب مال پیرو آن چیزی می شد که خدا آنرا معین کرده است قسمت انسانی نیز متناسب با قسمت الهی می گردید و همان اندازه مقرر شده از مال باقی می ماند و ظلم و انحصار در آن تأثیری نداشت و فقر و تکاثری پدید نمی آمد.

حسب آنچه در احادیث و روایات مجموعه الحیات آمده است زیاده خواهی در کسب مال جز از طریق ستم و غصب حق دیگران و بهره کشی و احتکار و ربا و دروغ و فریب و کم فروشی و بالابردن نرخ های ساختگی و نظایر اینها کسب نمی شود.

اما مرحله دیگر توزیع است که در آن مواهب طبیعی و امکانات معیشتی میان مردم توزیع می شود. علامه تاکید دارد که در این مرحله نیز بیشترین ظلم ها و ستم ها شکل می گیرد چرا که توانگران مستکبر و طاغوت های اقتصادی مترصد این مرحله هستند تا نعمت ها و مواهب اجتماع و معادن و کالاها و تعیین نرخ ها و فرآورده ها در اختیار آنها قرار گیرد.

نهایتاً اینکه مال فراوان نتیجه قسمت الاهی و مشروع و عادلانه نعمتها و مواهب نیست و با مقیاس های بر حق مطابقت ندارد بلکه نتیجه عمل مغشوش انسانی و پرداختن به کارهای نامشروع است.

استاد حکیمی سپس تاکید می کند که هر حکومتی که در قانون گذاری و اجرا دست متجاوزان در مالکیت خارج از حرام را قطع نکند ناگزیر به عدوان و تجاوز کمک کرده است.

ایشان پس از ذکر مجموعه ای از روایات توضیح می دهد که مال حلال، فراوان و روی هم انباشته نیست. چون به دست آوردن آن سختی و زحمت دارد.

مال طلبی تکاثری مخالف حلال بودن آن است. از آشکارترین چیزها این است مال فراوان در نزد هیچ کس با مراعات اعتدال و میانه روی در کسب فراهم نمی شود. بلکه اینگونه اموال و امکانات با اموری از این دست گرد می آید: بخل شدید، حرص غالب، قطع رحم، غصب کردن حقوق ناتوانان و مستمندان، دزدین اموال فقیران، خیانت ورزیدن، به فسق و فجور پرداختن، طغیان و سرکشی، ندادن زکات ظاهری، خودداری از دادن زکات باطنی، چنگ اندازی به اموال دیگران، کم فروشی، احتکار، نرخ گذاری آزاد بی بندبار، انحصار واردات، انحصار تولید، انحصار توزیع

امام باقر(ع) می فرماید: هیچ کس هرگز از حلال ده هزار (درهم) جمع نکرده است. ج ۴ ص ۱۷۹  
علامه تاکید می کند که مبارزه حاکمیت با تکاثر و ثروت های بادآورده تنها یک مبارزه صرفاً اخلاقی نیست بلکه باید مبارزه ای برای نابود کردن تکاثر و زراندوزی باشد.

امام صادق (ع) می فرماید: مال (درست و حلال) ۴۰۰۰ درهم است. ۱۲۰۰۰ درهم داشتن کفر است. از حلال ۲۰۰۰۰ درهم گرد نمی آید. کسی که ۱۰۰۰۰۰ درهم داشته باشد از شیعیان ما نیست. ج ۳ ص ۵۱۱

بعد حضرت علامه توضیح می دهد که این مال فراوان و حرام است که باعث ایجاد فساد می شود و به گفته ایشان چنین مالی جز در راه حرام و ایجاد فساد نیز هزینه نمی شود.

امام علی (ع) می فرماید: بدانید فراوانی مال سبب تباه شدن دین است و سخت شدن دلها.

در ذیل همین بخش علامه توضیح می دهد که چگونه تکاثر و زیاده خواهی

بزرگترین عامل فساد عمومی در جامعه است و چگونه در همه سطوح و تراز های زندگی اثر منفی می گذارد و تکاثر را علت نیرومندی برای تغییر همه مقیاس های انسانیت و مسخ آنها معرفی می کند.  
امام علی(ع) می فرماید: در زمان که مست می شوید فساد گسترانیده می شود) اما نه از شراب بلکه از نعمت و غوطه وری در آن.

پیامبر اکرم(ص) می فرماید: پس از من مسلمانانی خواهند آمد که خوراکیهای پاکیزه و رنگارنگ می خورند و از وسایلی سواری استفاده می کنند و خانه ها می سازند و کوشک ها می افزایند و مسجد ها می آرانید... فتنه از ایشان است و کار ایشان ج ۴ ص ۱۱۰  
علامه می گوید آنچه متکاثران انجام می دهند آشفته سازی اوضاع مخالفین شان و پراکندن و لنگاری و فساد در جامعه و تحریف کردن مفاهیم دینی و تربیتی است تا از این راه، سیاست های اقتصادی مدنظرشان را بر مردم تحمیل کنند.

ایشان تاکید دارند که چنین افرادی را باید افشا کرد و با آنها به مبارزه برخاست: کسانی که در روی زمین آشوب و فساد و قوانین را تحریف می کنند و تمرد و سرکشی می کنند همان صاحبان ثروت های بادآورده و متکاثران و سرمایه داران و شادخواران اند.

علامه تاکید می کند که حرمت تکاثر طلبی بیش از حرمت بی حجابی و شراب فروشی است و سپس تعبیر جالبی دارند و آن اینکه یکی از مسائلی که جامعه نباید از آن غافل باشد آن است که مبارزه با امپریالیزم خارجی بدون مبارزه با امپریالیزم داخلی نتیجه و اثر چندانی ندارد.

منبع: همشهری اقتصاد



### با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی کار می‌شه کرد و از شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح عضویت محک با پرداخت ماهانه حداقل هزار تومان به بزرگترین خانواده حامی کودکان مبتلا به سرطان بپیوندید. اسامی می‌خواهیم بگوییم که با هزار تومان‌های شما در محک چه کار می‌کنیم، ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه از بالغ بر ۱۶۷۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شده‌ایم و در سال ۸۶ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را بنا نهاده و بهره‌بردار کردیم. و فقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۳۵۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم ماهی فقط هزار تومان به محک کمک کنید، می‌توانیم ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از پر ارزش‌ترین حرکت‌های دنیا برای نجات جان هزاران کودک مشارکت کنید. برای پیوستن به خانواده بزرگ محک با شماره ۰۲۳۵۴۰ تماس بگیرید.



برای بازپرداخت از این مجموعه که حاصل شوق شجاعت، با شماره تلفن ۰۲۳۵۰۱۲۱۰ تماس حاصل فرمایید. در اینکه به پیام ما توجه کردید متشکرم.

## در گفتگو با حسن اسدی تبریزی

## فلسفه و حکمت در تبریز

خواجه رشیدالدین فضل ... همدانی را داریم که علاوه بر طب و تاریخ نویسی به فلسفه و کلام نیز علاقه دارد و برخی آثار فلسفی - کلامی نیز به رشته تحریر در آورده است اما مهم ترین شخصیت فلسفی ساکن تبریز در این دوره قطب الدین شیرازی، شارح حکمت الاشراق سهروردی، است.

در مورد جایگاه فلسفه در تبریز دوره ایلخانی آقای دکتر پورجوادی مجموعه خطی "سینه تبریز" را به عنوان بهترین شاهد برای این امر معرفی می کند و می افزاید که سینه تبریز نشان می دهد که تبریز در دوره ایلخانی مرکزی برای فعالیت های فلسفی بوده است، اما به نظر اینجانب اهمیت سینه تبریز بیشتر از بعد ادبی است (البته این فقط نظر بنده نیست به عنوان نمونه استاد دکتر اصغر دادبه در دایره المعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۴) می نویسد که "... وجه بارز این سینه وجه ادبی آن است..." (ص ۴۶۰)؛ سینه تبریز در بعد فلسفی فقط نشان می دهد که کاتب سینه تبریز و یا فضلا هم عصر او در میان آثار فلسفی بیشتر به آثار فلسفی - عرفانی علاقه داشته اند و از این رو از کل آثار ابن سینا فقط

اشارات و تنبیهات وی، که صبغه ای عرفانی دارد، در سینه تبریز کتابت شده است و از مجموعه آثار سهروردی فقط رساله های فارسی شیخ، که رساله های عرفانی و رمزی به شمار می آیند، در این مجموعه درج شده است و هیچ اثر فلسفی از شخصیت های تبریزی در این مجموعه نیامده است. این نکته را هم بیفزایم که در میان چند تاریخ فلسفه ای که تاکنون نوشته شده و اکثر آنها به فارسی ترجمه شده

اند فقط در تاریخ فلسفه اسلامی به کوشش سید حسین نصر و الیور لیمن به فلسفه اسلامی در آذربایجان و تبریز و برخی از مطالب فوق اشاره شده است؛ البته مؤلفین این تاریخ فلسفه نکته جدیدی بر این بحث نیفزوده اند و صرفاً مطالب استاد دکتر نصرالله پورجوادی را تکرار کرده اند و می توان گفت دکتر پورجوادی اولین محقق است که به این موضوع پرداخته است و هنوز جای تحقیق و پژوهش درباره آن زیاد است و این موضوع در آینده باید با دقت بیشتری پیگیری شود.

از قرن هفتم و هشتم به دوره معاصر می آیم. در دوره معاصر به ترتیب سه شهر اصفهان، تهران و قم مراکز اصلی حوزه فلسفه اسلامی به شمار می آیند اما با وجود این، دو نفر از بزرگ ترین حکیمان معاصر اهل تبریز و آذربایجان هستند هرچند که در تبریز حوزه درس فلسفه نداشته اند؛ آن دو حکیم، اولی آقاعلی مدرس زنوزی است و دومی علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی. برخی از شخصیت های ساکن در تبریز نیز بوده اند که درس فلسفه می گفته اند و مشرب فلسفی داشته اند که به نظر اینجانب مهم ترین آنها مرحوم آیت الله میرزا رضی زنوزی مشهور به فیلسوف، مرحوم آیت الله سید محمد حسن الهی (برادر علامه طباطبایی) و مرحوم آیت الله سید مرتضی مستنبط غروی بوده اند. از شاگردان درس فلسفه علامه طباطبایی نیز در تبریز فقط مرحوم آیت الله سیدابوالحسن مولانا را می شناسیم. ایشان مدت شش سال در درس علامه طباطبایی شرکت کرده بودند و بعد به تبریز برگشته و تا پایان عمر در تبریز ساکن بودند و در مسجد استاد و شاگرد اقامه نماز می کردند و تفسیر می گفتند و گاهی اوقات دروس اعتقادی نیز برای جمعی از

مستعدین تدریس می کردند. ایشان ظاهراً هیچ وقت درس رسمی فلسفه نداشته اند (البته برخی افراد با ایشان شرح منظومه خوانده اند) و در اواخر که بنده به محضر ایشان می رسیدم به فلسفه اسلامی بی اعتقاد بودم و با تحصیل آن چندان موافقت نداشتند.

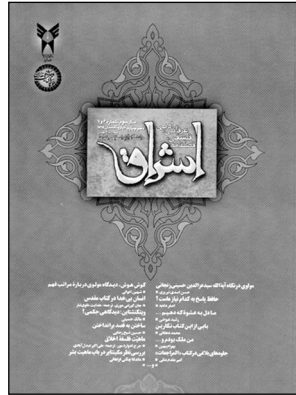
## وضعیت فعلی فلسفه و حکمت در تبریز چگونه است؟ آیا این وضعیت لایق شهر علامه هاست؟

پیش از پاسخ به این سؤال لازم است اشاره کنم که دو تن از سه علامه ای که شما با عنوان "علامه ها" از آنها یاد کردید میانه چندان با فلسفه اسلامی نداشتند (مرحوم علامه امینی که مشرب حدیثی داشتند و تا جایی که می دانم فعالیت فلسفی نداشتند اگر نگوییم که مخالف بوده اند و مرحوم استاد جعفری از مخالفین حکمت صدرایی بودند و به فلسفه مشاء علاقه داشتند هر چند که در حکمت مشاء نیز اثری تالیف نکرده اند) و فقط علامه طباطبایی فیلسوف اسلامی به شمار می آید. اما پاسخ سؤال، امروز غیر از قم و تهران در بقیه شهرها وضعیت تدریس و تحصیل فلسفه چندان خوب نیست و بزرگان فلسفه اسلامی عمدتاً در این دو شهر ساکن هستند و فعالیت می کنند. فعلاً در تبریز استاد فلسفه ای که متصل به سنت فلسفی باشد و نزد حکمایی که در تبریز فلسفه اسلامی تدریس می کرده اند تحصیل کرده باشند نداریم اما استادانی در گروه های فلسفه دانشگاه تبریز و دانشگاه تربیت معلم آذربایجان مشغول تدریس هستند و به جز تعداد معدودی از آنها بقیه ترجیح داده اند که خود

را در فضای کلاس و دانشگاه محصور سازند و با فضای بیرون از دانشگاه ارتباط برقرار نکنند در حالی که جریان فلسفی وقتی شکل می گیرد که افراد مستعد و علاقه مند خارج از حوزه و دانشگاه با چنین معارفی آشنا شوند و بین حوزه و دانشگاه و فضای جامعه ارتباط وجود داشته باشد. نکته ای را هم به عنوان گله از برخی از این استادان عزیز مطرح کنم، این نکته را برای اولین بار اینجا می گویم. سال گذشته در همین روزها قرار بود یکی از پیش همایش های همایش روز جهانی فلسفه در تبریز برگزار شود و انجمن حکمت و فلسفه ایران مسئولیت پیگیری و بررسی های اولیه آن را به عهده اینجانب گذاشته بود و بنده با برخی از این استادان عزیز و برخی مسئولان صحبت کردم که متأسفانه از این پیشنهاد چندان استقبال نکردند و با بهانه های مختلف همراهی نکردند و بنابراین این همایش مهم در تبریز برگزار نشد.

## چه راهکارهایی برای رشد فلسفه و حکمت در تبریز پیشنهاد می کنید؟

هر راه کاری که عرضه کنیم نیازمند حمایت نهادهای فرهنگی خواهد بود بنابراین به نظر می آید پیش از هر راه کاری باید از ضرورت تاسیس یک نهاد فلسفی در تبریز سخن بگویم. مثلاً سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تبریز می تواند در کنار خانه هنرمندان، خانه شعر، خانه عکاسی و ... خانه فلسفه و حکمت تبریز را نیز تاسیس کند. این پیشنهاد را باریاست قبلی سازمان فرهنگی و هنری مطرح کرده بودم و قصد دارم این پیشنهاد را با رئیس جدید سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تبریز در میان بگذارم. امیدوارم دوستان آقای علوی با این پیشنهاد موافقت کنند. به هر حال ابتدا



باید یکی از نهادهای فرهنگی استان از فعالیت فلسفی حمایت کند تا بعد بتوانیم درباره راه کارها و برنامه ها صحبت کنیم.

## و در پایان شرح یک تجربه، درباره مجله اشراق بگویید. چه شد که به فکر انتشار این مجله افتادید و تا به حال چند شماره از این مجله منتشر شده و جایگاه این نشریه را در بین نشریات حوزه اندیشه چگونه می بینید؟

مجله اشراق در واقع با دغدغه رشد فلسفه و حکمت در تبریز شکل گرفت. من به عنوان شخصی که به فلسفه علاقه مند بودم می دیدم که بسیاری از افراد جامعه از فلسفه و حتی اسم آن فرار می کنند و عده بسیاری دیدگاه و نظر منفی به آن دارند بنابراین تصمیم گرفتم به نوبه خودم کاری کنم و به این نتیجه رسیدم که باید نشریه ای منتشر کنیم و مجله اشراق حاصل این دغدغه است که با حمایت و مساعدت آقای دکتر عزیز جوانپور و مجموعه دانشگاه آزاد اسلامی تبریز و راهنمایی و مشاوره و حمایت استادان بزرگ فلسفه و عرفان و ادبیات کشور به خصوص استاد دکتر دادبه منتشر شده و فعلاً نیز تداوم دارد.

تا کنون چهار دفتر از مجله اشراق منتشر شده است و انشاء الله به زودی دفتر پنجم مجله را نیز منتشر خواهیم کرد. مجله اشراق در میان اساتید و صاحب نظران فلسفه و حکمت و ادبیات با استقبال خوبی مواجه بوده و در برخی از شهرها از جمله تهران، قم، مشهد، کاشان و شیراز مخاطبان زیادی یافته است. همچنین بزرگانی چون استاد سید هادی خسروشاهی، دکتر هادی عالم زاده، استاد کریم زمانی، استاد عبدالله انوار، استاد بهاءالدین خرمشاهی و دکتر سیروس شمیسا با نامه یا تماس تلفنی به تداوم انتشار مجله اشراق تأکید کرده اند و کیفیت مجله را خوب ارزیابی کرده اند؛ حتی استاد خسروشاهی تعبیر بی نظیر یا کم نظیر را درباره مجله به کار برده اند. امیدوارم بتوانیم این مجله را با کیفیت خوب تداوم دهیم.

## مراکز پخش و فروش مجله اشراق

- تبریز، کتابفروشی دهخدا (خیابان طالقانی، بالاتر از مصلی)، کتابفروشی شایسته (روبروی ارک)، کتابفروشی سپهر (خیابان ارتش شمالی)، کتابفروشی شهید شفیع زاده (روبروی تربیت)
- تهران، انتشارات توس، انتشارات حکمت، کتابفروشی انجمن حکمت (خیابان نوفل لوشاتو)، نشر چشمه (زیر پل کریم خان)، شهر کتاب
- نیاوران (نیاوران، روبروی کامرانیه)، کتابفروشی کاوه (اول کارگر شمالی، پاساژ صفوی)، انتشارات کتابخانه طهوری (روبروی دانشگاه تهران)
- قم، کلبه شروق ۰۲۵۱۷۷۳۶۴۲۴
- اندیشه؛ خانه کتاب قم، ۰۲۵۱۷۷۴۰۳۷۸
- مشهد، انتشارات امام، ۰۵۱۱۸۴۳۰۱۴۷
- کاشان، خانه کتاب کاشان، ۰۳۶۱۴۴۵۰۳۱۳
- زنجان، کتابکده فرهنگ، ۰۲۴۱۳۲۲۴۵۱۶
- یزد، کتابفروشی آگاه، ۰۳۵۱۷۲۵۰۳۶۷
- همدان، کتابفروشی ایران زمین، ۰۸۱۱۸۲۶۲۹۵۴
- اصفهان، فرهنگسرای اصفهان، ۰۳۱۱۲۲۰۴۰۲۹
- ایلام، کلبه کتاب قفقوس
- شیراز، کتابفروشی هاشمی، تلفن ۰۷۱۱۲۲۲۵۶۶۹

حجت الاسلام فاطمی نیا:

حضرت آیت الله مرعشی، فقیه و مجتهدی جامع بود

استاد حوزه علمیه قم تاکید کرد: آیت الله مرعشی نجفی نه تنها فقیه و مجتهد بود بلکه در سایر شاخه های علوم نیز تبحر داشت. به گزارش مهر، حجت الاسلام والمسلمین عبدالله فاطمی نیا در مراسم بزرگداشت بیست و دومین سالگرد ارتحال حضرت آیت الله مرعشی نجفی که با حضور رئیس مجلس در حسینیه آن مرحوم برگزار شد اضافه کرد: ابر و باد و مه و خورشید و ... همه ذرات عالم باید دست در دست همديگر بدهند تا شخصيتهایی مانند آیت الله مرعشی و امام(ره) تربیت شوند. وی با اشاره به ویژگیهای شخصیتی آیت الله مرعشی اظهار داشت: ایشان شخصیت جامعی داشت و در درجه اول فقیه و مجتهد بود اما در رجال و درایه، تاریخ، تفسیر و علم انساب و ... نیز صاحب نظر بود. فاطمی نیا بیان داشت: حضرت آیت الله مرعشی به جمع کردن کتب و مطالعه آنها عشق داشت و بسیاری از کتب فریقین را به صورت موضوعی کتابشناسی کرده بود. وی افزود: حضرت آیت الله مرعشی نجفی و به دنبال ایشان فرزندان بزرگوار وی، آیت الله سید محمود زحمات فراوانی برای ایجاد این کتابخانه کشیده اند که بیان این زحمات نیازمند بیش از ده سخنرانی است. استاد حوزه علمیه قم ادامه داد: آیت الله مرعشی

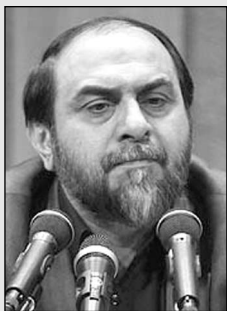
رییس پژوهشکده حکمت اسلامی هشدار داد:

رشد بازار جن گیری و معنویت های کاذب در جامعه ای که قرار بود مدینه فاضله شود

رسیدن به این معرفت بوده است، چنانچه در عرفان های دیگر چنین هدفی وجود ندارد؛ عرفان اسم خاص عرفان اسلامی است، اما چون با محدودیت ترجمه مواجه هستیم، اسم معنویت های نوظهور را عرفان واره می گذاریم که نه مطابق با هدف و نه مطابق با ماهیت آنها است. عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: هیچ عرفانی در دنیای جدید به معنای حداکثری عرفان اسلامی که خدا را تنها در عبادت محصور نمی کند و او را در همه جامتصور است، وجود ندارد؛ چراکه عقل خاکی می شود و اگر خدایی هست هیچ واکنشی نسبت به دیگران و عالم نشان نمی دهد. وی با بیان این که در عرفان های نوظهور، آن خدایی که در تفکر سنتی مدنظر است، به چشم نمی خورد، ویژگی اصلی عرفان واره ها را غیاب خدا عنوان و تصریح کرد: معنویت نوظهور نوعی تفکر انتزاعی است که با مفاهیم عرفان نظری سر و کار ندارد؛ تنها با مسایل وجودی انسان مانند غم، غصه و ناکامی ها سر و کار دارد و می خواهد برای آن راه حلی نشان دهد. حجت الاسلام قائمی نیا با اشاره به این که در کشور عرفان وجود دارد، اما بین آن چیزی که در جامعه به عنوان عرفان معرفی می شود با مراکز رسمی که عرفان را تدریس می کنند، فاصله بسیار است، بر حرکت به سمت تبیین و تدریس عرفان وجودی که در حل مشکلات بشر امروزی دخالت دارد، تاکید کرد. وی همچنین عرفان های جدید را به عرفان های طبیعت گرا و عرفان های اومانیتس که هر دو به نوعی انسان و مسایل وجودی انسان را محور تحلیل ها قرار می دهند، تقسیم کرد و گفت: جدال عرفان های جدید با عرفان های سنتی نکات آموزنده ای دارد که صرفا نباید با بحث کلامی مشکلات آن را حل کرد. رییس پژوهشکده حکمت اسلامی با رد هرگونه جدال بین عرفان های جدید و سنتی خواستار بررسی معایب عرفان های سنتی شد و اظهار داشت: حوزویان همان طور که معایب عرفان های جدید را مورد بررسی قرار می دهند، عرفان برگرفته از اسلام را ترویج کنند که از لحاظ ادبیات و محتوا بتواند مشکلات بشر جدید را حل کند.

روحانیت در تبدیل آیات و روایات به روش زندگی صحیح

کوتاهی کرده است



یک استاد دانشگاه تاکید کرد: روحانیت در تبدیل آیات و روایات به روش زندگی صحیح کوتاهی کرده و لازم است که روحانیت آگاه و اندیشمند در عرصه جنگ نرم به صحنه بیاید و مسائل را اصلاح کند. حسن رحیم پور ازغدی استاد دانشگاه که در دومین همایش روحانیون رزمنده و بسیجی سخنرانی می کرد، با یادآوری حضور روحانیون در خط مقدم دوران دفاع مقدس اظهار داشت: حضور این روحانیون معنای آیات جهاد و شهادت را تا عمق جان رزمندگان نفوذ می داد. این روحانیون مسیر تاریخ را عوض کردند.

وی افزود: ظهور یک نسل طلبه و روحانی مجاهد و سعادت طلب که فقط حرف نمی زند بلکه خود پیشاپیش دیگران حرکت می کند، تاریخ ساز شده و همین امر موجب شد که امام(ره) با آن عشق از این طلاب سخن بگوید. این استاد دانشگاه در تقسیم بندی سخنان خود به حضور روحانیون در جنگ سخت و جنگ نرم ادامه داد: همانطور که روحانیت در جنگ سخت روسفید شد، می تواند در جنگ نرم نیز روسفید بیرون بیاید. رحیم پور ازغدی تاکید کرد: حوزه ای که جهاد نکند، گرفتار ذلت می شود و آن حوزه ای که گفت با سیاست کاری ندارد، گرفتار سیاست آمریکا و دربار شد و آنها را مجبور کرد که خلع لباس شده و ناموسشان بی حجاب شود. اگر روحانی با سیاست کار نداشته باشد، دشمنان به سراغ روحانی می آیند و مکه و مدینه و کربلا را زیر چکمه های خود می گیرند.

وی ادامه داد: ترک جهاد موجب از بین رفتن دین، دنیا، اقتصاد، سیاست و ... می شود و پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می فرماید هر که در طول زندگی جهاد نکرده و با آرزوی جهاد نکند، منافق بوده است. وی افزود: نمی شود حرفی از حقیقت زد و برای آن جعل و تلاش عملی و نظری نکرد؛ کسانی که به دنبال پیروزی فقط دعا می خوانند، به خود خداوند دروغ می گویند و این برخلاف قوانین عالم هستی است.

این صاحب نظر فرهنگی و دینی با یادآوری جنگ نرم دشمن گفت: امروز دیگر در عرصه نبرد آربی چی و اسلحه در کار نیست، هر چند که اگر روزی جنگ سخت دیگری در پیش باشد، باز ما در صحنه هستیم اما امروز در عرصه دفاع نرم آرزوی، تفکر و در قالب جنگ نرم به بیان اسلام و شرع و مبانی دینی ما حمله می شود و کسی نیست که به طور کامل از آن دفاع کند. امروز ده ها کانال ماهواره تبلیغ وهابیت و ده ها هزار سایت علیه مبانی اسلام و انقلاب فعالیت مستقیم و مستمر دارند و این در حالی است که نیمی از جمعیت ما با رسانه ها در ارتباط هستند.

وی در ادامه سخنان خود با مقایسه تطبیقی روحانیت اسلام و روحانیت کلیسا خاطر نشان کرد: طبق بررسی های تحقیقی انجام شده مشخص شده است اغلب کسانی که از اسلام برگشتند، از جاهلان بودند، یعنی این طور نبوده است که اسلام را فهمیده باشند و آنگاه از اسلام برگردند ولی اغلب کسانی که از سایر ادیان برگشتند، از طبقه عالم بودند، به عبارتی دیگر هر که نسبت به مبانی غلط ادیان دیگر آگاه شد.

رحیم پور ازغدی ادامه داد: وظیفه ما در حوزه علمیه این است که نباید اجازه دهیم که معارف دین بوی کهنگی بگیرد، زیرا برخی از جوانان ما امروز با حرف های نو و اکثر اغلط دیگران سر و کار دارند، گمان می کنند که روحانیت از حرکت دنیا عقب مانده است که باید آن را اصلاح کرد. وی همچنین با بیان اینکه باید با بدعت ها مقابله شود، گفت: از سوی دیگر نباید هر آنچه را در دین هست، غیر دین معرفی کنیم، چرا که ما داشتیم روحانیون برجسته ای را که از بخشی از دین اطلاع نداشتند، بنابراین نباید به دلیل ناآگاهی از همه زوایای دین حرف های دیگران را بدعت تلقی کنیم و آن را غیر دین بدانیم.

وی خاطر نشان کرد: متأسفانه کسانی هستند که با برداشت غلط از یک حدیث که در آن کلمه "باهتو" وجود دارد، خود را مجاز می شمارند که به دیگران بهتان بزنند. دروغ می گویند و افراد را بی آبرو می کنند. در حالی که معنای باهتو در حدیث مبهور کردن علمی و عقلی است. برخی هستند که اگر با کسی کینه شخصی دارند، او را بدعت گزار معرفی می کنند و به او دروغ می بندند و توجیه می کنند که هدفشان مقدس است، بهتان، تهمت و دروغ اشکال ندارد و این کلمه "باهتو" را بهانه قرارداده است لذا اگر جامعه ای به این مرض گرفتار شود دیگر نمی شود حرف عقل را در آن جامعه زد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تحولات منطقه و خیزش های اسلامی منطقه تاکید کرد: جنگ نرم فقط این نیست که دشمن در قالب جنگ نرم به ما حمله کند بلکه این ما هستیم که به وسیله قدرت نرم خود منطقه را تحت تأثیر قرار دهیم. بیشترین جمعیت مسلمان جهان در شهر آفریقا قرار دارد که هیچگاه به وسیله جنگ سخت مسلمان نشدند بلکه آنها با گفتن، اخلاق و عدالت اسلام را پذیرفتند که اغلب از طریق ایرانیان مسلمان این کار انجام شد.

وی افزود: مثلا در اندونزی و چین اینها با جنگ سخت مسلمان نشدند بلکه با جنگ نرم انقلاب اسلامی و در عرصه ارتباط علمای اسلام و شیعه اسلام را پذیرفتند. ازغدی با تاکید بر اینکه قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران امروز ساختارهای غلط دنیا را به هم ریخته است، گفت: تمام دستگاه های رسانه ای دشمن اعم از غرب و وهابیان هجوم خود را علیه شیعه به کار برده اند و شیعیان را بدعت گزار معرفی می کنند بنابراین ما باید تعریفی اخلاقی از شیعه را به ملت های مسلمان و آزاده جهان ارائه دهیم امروز دنیا بیش از هر چیز دیگر تشنه اخلاق و روش زندگی درست است و آنها بر اساس فطرت می توانند از میان روش های مختلف بهترین روش را انتخاب کنند.

این استاد دانشگاه تاکید کرد: روحانیت در تبدیل آیات و روایات به روش زندگی صحیح کوتاهی کرده است لازم است که روحانیت آگاه و اندیشمند در عرصه جنگ نرم به صحنه بیاید و مسائل را اصلاح کند.

رحیم پور ازغدی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: با تحقیقات فراوانی که انجام شده می بینیم، هر کجا که علیه دین اقدام می کنند، به دلیل تجربه تلخ کلیسا در غرب بوده باید توجه کنیم که روحانیت کلیسا چه کرد که ریشه دین را در جامعه غرب زد؟ و چه کرد مردم را دشمن دین کرد؟ ازغدی در خاتمه گفت: اگر به تعالیم شیعه واقعا عمل شود، ولله در جنگ نرم دشمن شکست نخواهیم خورد بلکه پیروزیم.

## رونمایی از دو کتاب امام موسی صدر

## «حدیث سحر گاهان» و «برای زندگی»

دو کتاب «حدیث سحر گاهان» و «برای زندگی» در برگزیده مجموعه گفتارهای تفسیر قرآن امام موسی صدر، با حضور احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران طی مراسمی در بنیاد امام موسی صدر رونمایی شد.



احمد مسجدجامعی در این مراسم با اشاره به اهمیت خاندان صدر در تاریخ معاصر گفت: این خاندان از خانواده‌های تأثیرگذار در تاریخ تفکر ما و در دوران معاصر هستند که اهمیت‌شان فقط مربوط به شخصیت امام موسی صدر نمی‌شود. یعنی از بین چهره‌های این خاندان می‌توان از تألیف‌های مرحوم اسماعیل صدر درباره تشیع یاد کرد.

همچنین در این خاندان مرحوم آقا رضا صدر، تفسیر روانی دارد که همگی از قابلیت بحث و بررسی برخوردارند. وی افزود: مرحوم آقای صدر پدر این خاندان، محصول شرایطی بود که بر فرزندان او یعنی رضا و موسی تأثیر گذاشت. در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ شمسی و در آن فضای پس از سقوط پهلوی اول، فضای بازی به وجود آمد و سؤالات مختلفی در جامعه طرح شد. در آن شرایط حوزه علوم دینی به مطالعات و سعه صدر نیاز داشت این سعه صدر در وجود امام موسی صدر یکباره ایجاد نشد بلکه هم برگرفته از پایگاه خانوادگی ایشان بود و هم شرایط ایجاد می‌کرد که اینگونه باشد.

وی گفت: در این سال‌ها که چهره‌هایی از حوزه‌های علمیه که حتی صاحب مقام هم بودند، تغییر لباس می‌دادند و وارد دانشگاه می‌شدند، امام موسی صدر از جمله کسانی بود که در حوزه باقی ماند و در معارف حوزوی شرایط ویژه‌ای کسب کرد. وی با بیان اینکه امثال امام موسی صدر، دکتر بهشتی و شهید آیت‌الله مطهری ورود به مسائل روز را دور از شأن خود نمی‌دانستند گفت: به عنوان مثال آیت‌الله مطهری یکی از کسانی بود که درباره موسیقی در ۴۰ شماره مجله زن روز آن زمان مطالبی حقیقی را طرح می‌کرد و یا از کسانی بود که با رفتن به سینما، فیلم «محلل» را دید و آن را نقد کرد.

مسجد جامعی گفت: آقای صدر و حتی آقا رضا صدر محصول چنین فضای اجتماعی بودند. سعه صدر و اخلاق در خلأ حاصل نمی‌شود بلکه در ممارست و تقابل‌ها، تعامل به وجود می‌آید. ویژگی خاص امام موسی صدر این بود که توانست تفکرات و اندیشه‌های خود را اجرایی کند. مثلاً حس حمایت از محرومان را که در ذهن همه بزرگان آن زمان بود. توانست سازماندهی کند.

احمد مسجدجامعی با ذکر چند نکته مستند از نحوه تعامل امام موسی صدر با دیگران گفت: چندی پیش که به دیدار سیمین دانشور رفته بودم شنیدم که نوع رفت و آمد امام موسی صدر به گونه‌ای بود که ایشان در بین این گروه از افراد جامعه مقبولیت داشت. وی گفت: امام موسی صدر ادبیات کیهانی و جهانی داشت او به گونه‌ای از دین دفاع می‌کرد که همه گروه‌های فکری مورد مخاطب او قرار می‌گرفتند و ادبیات تفسیر او به گونه‌ای نبود که بخواهد عقایدش را تحمیل کند بلکه می‌خواست به زبان تعاملی مفاهیم قرآن را بیان کند و حتی احادیثی را که در تفسیر ذکر می‌کند به زبان فرقه‌ای تبدیل نشود.

مهدی فرخیان یکی از سه مترجم این دو کتاب به نمایندگی از علیرضا محمودی و مهدی موسوی نژاد درباره شیوه تفسیر امام موسی صدر گفت: منابعی چون «ذکر المنصور»، «المیزان» و تفسیر طنطاوی از منابعی است که امام موسی صدر برای تفسیر خود به آنها رجوع می‌کرد و روش او شبیه روش محمد عبده یعنی تفسیر قرآن به قرآن است. در پایان مراسم دکتر صادق طباطبایی با اشاره به تسلط امام موسی صدر به قرآن گفت: تسلط ایشان به قرآن نه به عنوان مجموعه‌ای از محفوظات بلکه به این صورت بود که متناسب با هر حادثه و واقعه‌ای نکاتی از قرآن را یادآور می‌شد. او علاوه بر قرآن به تمام کتب آسمانی انجیل و تورات تسلط داشت و نگاه ایشان بر این اساس بود که دین برای زندگی این جهان است. یعنی دین را در خدمت انسان می‌داند و نه انسان را در خدمت دین.

## آیت‌الله سیستانی و خرافات

اینطور کرده است.

گفتم: ما خودمان در مقابل آن دسته از منبری‌ها و مداح‌هایی که مطالب سست و نادرست و خرافاتی را به خورد مردم می‌دهند قرار داریم و علیه آنها مقالات و مطالب زیادی نوشته‌ایم و انتظار ما از شما اینست که شما هم موضعگیری کنید و به ما در این زمینه کمک کنید، چون موضعگیری شما خیلی اثر دارد.

گفتند: اینها را می‌دانم و از قول من هم چیزهایی علیه اینها گفته‌اید و منتشر شده است، ولی من بنای دخالت در ایران را ندارم. ایران مهندسی شده است و من نباید دخالت کنم.

گفتم: منظورم این نیست که در مسائل حکومتی دخالت کنید، ولی در امور اعتقادی اظهارنظر شما مؤثر است. اعتقادات مردم در خطر است و برای حفظ دین و اعتقادات، ورود شما به این مسائل لازم است. گفتند: شما که گفتید سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست، چطور می‌توانید اینها را از همدیگر جدا کنید؟ همان آقای بهشتی که شما با ایشان رفیق بودید، قانون اساسی را تدوین کرده و آن را طوری ترتیب داده که برای مرجع فقط مسائل غسل و طهارت باقی مانده و بقیه چیزها مربوط به حکومت است. بنابراین، ما

چه بگوئیم؟

این قسمت، به نظرم رسید برای آیت‌الله سیستانی بسیار مهم بود، زیرا دوباره به آن برگشتند و گفتند: وقتی در قانون اساسی برای مراجع فقط مسائل غسل و طهارت باقی گذاشته‌اند و بقیه چیزها مربوط به حکومت است، ما چه بگوئیم؟

گفتم: شما به آقای بهشتی کاری نداشته باشید و به عقیده خودتان عمل کنید.

گفتند: ما نمی‌توانیم در ایران دخالت کنیم، وقتش را هم نداریم. کار مرجعیت و عراق و بحرین و خواندن آنهمه مطالب، زیاد است و دیگر وقتی باقی نمی‌گذارد که به این چیزها برسیم.

گفتم: من به وظیفه شرعی خودم عمل کرده‌ام که گفتن این مطالب و درخواست اظهارنظر از شما بود، حالا شما می‌دانید و تکلیف شرعی خودتان.

این جمله را که گفتم، آیت‌الله سیستانی سکوت کردند و به نظرم رسید این مطلب برای ایشان قابل تأمل بود.

با اینکه هنوز مطالب زیادی برای گفتن داشتیم، احساس کردم بیش از این سهم ندارم و باید خداحافظی کنم.

منبع روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۹۰/۱۰/۱

## دکتر حداد عادل:

## یک میلیون نسخه خطی فارسی در جهان، سند افتخار فرهنگ ایران است

اینها در طول تاریخ از بین رفته است. وی همچنین به تحقیق اخیر خود درباره تنوع کتاب در فرهنگ فارسی اشاره کرد و گفت من فقط بر اساس فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی می‌گویم که ۲۰۶ نوع کتاب در تاریخ ایران قابل تشخیص بوده و هست و این، نشانه‌ای از جدیت فرهنگ کتاب و کتابخوانی در ایران است.

اسلام، افق تازه‌ای در این حوزه پیش روی مردم ایران گشوده شد. وی ادامه داد: اسلام دینی است که وقتی مخاطبی با آن روبرو می‌شود، نخستین عبارتی که با آن برخورد می‌کند کلمه کتاب است و ارتباط این دین با کتاب تا حدی است که می‌توانیم بگوئیم اسلام و کتاب با یکدیگر همزاد هستند. معجزه دین ما هم کتاب بوده است و حتی در تاریخ آمده که در جنگ‌ها مسلمانان فدیه و خون‌بهای آزادی اسرا را تعلیم سواد از سوی آنها به مسلمانان در نظر گرفته بودند.

این ماجرا تا اندازه‌ای در میان مسلمانان با رشد مواجه شد که به فاصله دو قرن بعد از ظهور اسلام در سفر امام رضا (ع) از مدینه به مرو در شهر نیشابور ۲۴ هزار نفر حدیث روایت شده از ایشان را کتابت کرده‌اند.

به گفته دکتر حداد عادل رقم نسخ خطی در کتابخانه‌های مرجع ایران مانند کتابخانه آیت‌الله مرعشی یا آستان قدس رضوی یا مجلس شورای اسلامی کمتر از ۳۰ هزار نسخه نیست. جالب‌تر اینکه در کشور ترکیه تعداد نسخ خطی ثبت شده نزدیک به ۱۴ هزار جلد است. گفته می‌شود به همین تعداد نیز اثر ثبت نشده دارند و یک تخمین ساده حاکی از حضور ۱۰۰ هزار نسخه در این رابطه است که اگر با آثار خطی فارسی موجود در هند نیز بنخواهیم آن‌ها را جمع کنیم و نیز آثار خطی فارسی در سایر کشورهای جهان به رقمی بیش از یک میلیون نسخه خطی فارسی در جهان می‌رسیم. این موضوع، بسیار افتخارآمیز است و باید اذعان کنیم که بیش از

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: تعداد نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های جهان با یک تخمین به بیش از یک میلیون نسخه می‌رسد که سندی افتخارآفرین برای فرهنگ ایرانی است.

غلامعلی حداد عادل در ادامه برگزاری سلسله سخنرانی‌های فرهنگی در دانشکده مطالعات جهان که با موضوع کتاب در فرهنگ ایران برگزار شد، کتاب را بارزترین شاخص فرهنگی در هر کشور عنوان کرد که به عنوان ابزاری برای ارزیابی سطح فرهنگ در آن جامعه به کار می‌رود.

وی گفت: هر تمدنی به آن اندازه که کتاب بیشتری تولید کرده باشد، می‌تواند ادعا کند که از سطح بالاتری برخوردار است. اگر مولانا در قرن‌ها پیش سروده است که «ای برادر تو همه اندیشه‌ای... باید امروز بگوئیم که کتاب است که همه اندیشه است».

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در ادامه با اشاره به دوران تمدن قبل از اسلام در ایران افزود: آگاهی ما از این دوران اندک است، اما در همین اندازه نیز نشانه‌هایی وجود دارد که به علاقه وافر مردم به کتاب و کتابت دلالت می‌کند و حتی نقل قول‌هایی نیز در این باره، امروزه در اختیار ماست.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی افزود: اهتمام ایرانیان به ورود کلیله و دمنه به ایران و ترجمه آن و حتی الواح گلی که در حفاری‌های سال ۱۳۱۲ در تخت جمشید کشف شد، همگی نشان از اهتمام ایرانیان به امر کتاب دارد، ولی با این وجود با ظهور

## مجموعه سایت‌های مرکز:

سایت مرکز بررسی‌های اسلامی

www.iscq.ir

سایت استاد خسروشاهی

www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:

www.mosleheshargh.com

## بعثت

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر‌دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیة) نیش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۳۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com